

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدين يوم وبر زنده يك تن مباد
همه سر به سرتون به کشنن دهيم
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

Political Satire

afgazad@gmail.com

طنز سیاسی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۲۰۰۹ اگست ۱۵

شِکوَه

(۶) در آلمان :

{ ح }

چیزی نگویم ز غذا های شان
آشپز و موزیک و نوا های شان
میوه و سبزیش به خروار شد
نختیش و فورتیش ، چه بسیار شد
وای وجب ، طفلک افغان نگر
کرده فدا جان ، ز پی نان نگر
حال چه گویم ز جوانان شان
دری و یا ، پشتون زبانان شان
جشن و عروسی و به ختمش ببین
کارد زنان ، پاره و زخمش ببین
وای وجب ، فاتحه خوانان نگر
جنگ ، به هر محفل ایشان نگر
آئینه و مصحف و شربت رسید
شال زری بر سر و ، فرحت رسید

تحفه یاران ، بسی درجن شده
 زیور و زر ، خرمن و خرمن شده
 وای و جب ، محفل افغان نگر
 جمع شده ژروت شایان نگر
 ساز بلند است ، هنا آورید
 از وطن و ، میهن ما آورید
 زیب ، به دستان عروس و وجب
 شعله عشقی که همه در عجب
 وای و جب ، خینه به دستان نگر
 محمل و زربف شده پیچان نگر
 نوبت مالیده و کیکش رسید
 اخگر رخشندہ نیکش رسید
 شعله نفرت همه خاموش شد
 شربتی از مهر و وفا نوش شد
 وای و جب ، عزت مهمان نگر
 مالیده و ، کیک فراوان نگر
 ختم شدی محفل و ، وقت سحر
 موتر گلپوشک شان پشت در
 هردو روان جانب منزل شدی
 زانکه مراسم همه کامل شدی
 وای و جب ، خانه چراغان نگر
 نور جهان ، دختر افغان نگر

شکوه

(۶) در آلمان :

{ ط }

چون گل و بلبل ، به هم آمیختند
شبنمی از پیکِ صبا بیختند
شمع و فاگشت بسی شعله ور
لیک به پروانه ، نه بال و نه پر
وای وجب ، شعله سوزان نگر
سوخت ، ز پروانه تن و جان نگر
بقیه دارد